

رابطه هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی با رضایت زناشویی در زنان متأهل اصفهان

The Relationship between Emotional Intelligence and Communication Styles with Marital Satisfaction among Married Women in Isfahan

Sadiqeh Sadat Mousavi

Department of Educational and Psychological
Services, Nae.C., Islamic Azad University, Naein,
Iran.

Alireza Taghvaei

Department of Educational and Psychological
Services, Nae.C., Islamic Azad University, Naein,
Iran.

Email: Hassan.khoshakhlagh@iaau.ac.ir

صدیقه السادات موسوی

دانشکده خدمات تربیتی و روان شناختی، واحد نائین، دانشگاه
آزاد اسلامی، نائین، ایران.

علیرضا تقوائی*

دانشکده خدمات تربیتی و روان شناختی، واحد نائین، دانشگاه
آزاد اسلامی، نائین، ایران.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between emotional intelligence, communication styles, and marital satisfaction among married women in Isfahan. From a purpose perspective, the study is applied, and methodologically descriptive. The population consisted of all married women in Isfahan during spring 2025, with a sample of 90 participants selected via multi-stage cluster sampling. The research instruments were the standard Goleman Emotional Intelligence Questionnaire (1995), Christensen and Sullaway Communication Patterns Questionnaire (1996), and Enrich Marital Satisfaction Scale (1999), whose validity and reliability were confirmed. Data analysis was conducted descriptively using central tendency and dispersion indices, and inferentially using Pearson correlation, multiple regression (SPSS-23), and structural equation modeling (PLS). Results indicated a positive and significant correlation between emotional intelligence and marital satisfaction ($r=0.45$, $p<0.01$). Additionally, a positive and significant relationship was observed between emotional intelligence and communication styles ($r=0.38$, $p<0.01$). Furthermore, communication styles showed a positive and significant correlation with marital satisfaction ($r=0.42$, $p<0.01$). The mediating

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی با رضایت زناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان بود. این مطالعه از منظر هدف کاربردی و از حیث روش‌شناسی توصیفی است. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل شهر اصفهان در بهار ۱۴۰۴ بود و حجم نمونه ۹۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. ابزارهای پژوهش پرسشنامه‌های استاندارد هوش هیجانی گلمن (۱۹۹۵)، الگوهای ارتباطی کریستنسن و سولوا (۱۹۹۶) و مقیاس رضایت زناشویی انریچ (۱۹۹۹) بودند که روایی و پایایی آن‌ها تأیید شد. تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی با شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و در سطح استنباطی با ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه (SPSS-23) و مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS) انجام گرفت. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد ($r=0.45$, $p<0.01$). همچنین بین هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی ارتباط مثبت و معنادار مشاهده شد ($r=0.38$, $p<0.01$). افزون بر این، سبک‌های ارتباطی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند ($r=0.42$, $p<0.01$). نقش واسطه‌ای سبک‌های ارتباطی نیز تأیید گردید ($\beta=0.42$, $p<0.01$). در مجموع، هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار رضایت

role of communication styles was also confirmed ($\beta=0.42, p<0.01$). In summary, emotional intelligence and communication styles are significant predictors of marital satisfaction among married women in Isfahan, with the proposed model explaining 47% of the variance in marital satisfaction.

Keywords: emotional intelligence, communication styles, marital satisfaction, married women, Isfahan.

زناشویی در زنان متاهل اصفهان هستند و مدل پیشنهادی ۴۷ درصد واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، سبک‌های ارتباطی، رضایت زناشویی، زنان متاهل، اصفهان.

نوع مقاله: پژوهشی	دریافت: فروردین ۱۴۰۵	پذیرش: خرداد ۱۴۰۵
-------------------	----------------------	-------------------

مقدمه

ازدواج یکی از مراحل مهم در تکامل زندگی فردی و اجتماعی افراد است؛ این واحد، مهمترین واحد اجتماعی محسوب می‌شود که عوامل زیادی در پایداری و استحکام آن نقش دارند (واسکز-سالسدو و ناتیبودا^۱، ۲۰۲۵). بنابراین، کیفیت ازدواج، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده سلامت روان افراد متأهل است. رابطه افراد متأهل و رضایت آنها از زندگی زناشویی یکی از عوامل تعیین‌کننده سرنوشت ازدواج آنهاست. واژه ازدواج از نظر اودبونمی^۲ (۲۰۲۰) اتحاد زن و مرد به عنوان زن و شوهر است که واحد اساسی جامعه را تشکیل می‌دهند. این اتحاد، علمی و اخلاقی است و از نظر جامعه به عنوان خانواده تلقی می‌شود (اکوفو و آنتو^۳، ۲۰۲۲). یک ازدواج رضایت‌بخش، افراد را در برابر استرس روانی و رویدادهای منفی زندگی محافظت می‌کند، در حالی که ازدواج‌های ناپایدار و نامطلوب پیامدهای منفی برای سلامت جسمی و روانی دارند. بنابراین، ازدواج‌های سالم باید شامل یک رابطه صمیمانه باشند که بتواند منجر به رضایت زناشویی شود (آدبایو^۴، ۲۰۲۵). رضایت زناشویی را ارزیابی مثبت شخص از رابطه زناشویی نیز تعریف می‌کنند (اوزتورک اوزن^۵ و همکاران، ۲۰۲۵)؛ در واقع، حالتی از رضایت در ازدواج است که با ادراک درون فردی یا بین فردی تعریف می‌شود؛ از این رو، آن را معیاری برای سنجش میزان احساس و نیاز فرد در نظر می‌گیرند (کویگلی^۶ و همکاران، ۲۰۲۵).

زوج‌های خانم غالباً با دشواری‌های متعددی در ازدواج روبرو هستند که این چالش‌ها بر سلامت رابطه و احساس خوشنودی آنان از زندگی مشترک اثرگذار است (خضری^۷، ۲۰۲۰). هوش هیجانی از جمله عوامل کلیدی در پیش‌بینی میزان رضایت از زندگی زناشویی محسوب می‌شود به عبارتی توانایی مدیریت هیجانات (هوش هیجانی) یکی از مؤثرترین شاخص‌ها در تعیین سطح خوشنودی زوجها از رابطه است (آنیامنی^۸، ۲۰۲۰؛ کاموموئی^۹ و همکاران، ۲۰۲۱)؛ چراکه مهارت در تنظیم هیجانات، شناخت عواطف همسر و ایجاد ارتباط سازنده، از ارکان اساسی تحکیم پیوند زناشویی محسوب می‌شود در واقع تسلط بر هیجانات خود، درک عمیق احساسات همسر و توانایی گفت‌وگوی سازنده، پایه‌های اصلی تقویت زندگی مشترک را تشکیل می‌دهد. هوش هیجانی^{۱۰} (EI) به توانایی فرد در تشخیص، کنترل و ابراز احساسات خود و دیگران اشاره دارد. این مفهوم شامل چهار مؤلفه اصلی است: ۱. خودآگاهی (تشخیص احساسات خود)، ۲. خودمدیریتی (کنترل واکنش‌های عاطفی)، ۳. آگاهی اجتماعی (درک احساسات دیگران) و ۴. مدیریت روابط (برقراری ارتباط سازنده) (کارت‌رایت و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۴). بر اساس یافته‌های زارچ و

¹ Vasquez-Salcedo & Natividad

² Odebumi

³ Ekufu & Anetoh

⁴ Adebayo

⁵ Öztürk Özen

⁶ Quigley

⁷ Khezri

⁸ Anyamene

⁹ Kamomoe

¹⁰ Emotional Intelligence

¹¹ Cartwright et al

همکاران (۲۰۱۴)، زوج‌های دارای سطح بالای هوش هیجانی از قابلیت بیشتری در مدیریت اختلافات، ابراز همدلی و خلق محیط عاطفی سازنده برخوردارند. شواهد پژوهشی (زمان محمدی، ۱۴۰۱؛ خسروی و همکاران، ۱۴۰۱؛ آقابابایی، ۲۰۱۰؛ مامل، ۲۰۲۵) حاکی از آن است که این توانمندی به عنوان عاملی کلیدی در ارتقای رضایت زناشویی و ثبات رابطه عمل می‌کند. در این مطالعه، هوش هیجانی به ظرفیت زوجین در شناسایی، پردازش و تنظیم هیجانات خود و همسرشان تعریف عملیاتی شده است.

زنان متأهل، در نقش‌های خود به عنوان همسر، مادر و گاهی زن شاغل، با انتظارات و وظایف پیچیده‌ای روبرو هستند که بر کیفیت روابط آنها با همسرشان تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رضایت زناشویی، سبک‌های ارتباطی است. نحوه تعامل زوجین در موقعیت‌های مختلف، از مشاجرات روزمره گرفته تا حل تعارضات جدی، می‌تواند باعث تقویت یا تضعیف رابطه شود. در میان سبک‌های ارتباطی، سه الگوی اصلی انتظار/کناره‌گیری، سازندگی متقابل و اجتناب متقابل نقش برجسته‌ای در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند (اکوفو و آنتو^{۱۲}، ۲۰۲۲).

در سبک ارتباطی مطالبه‌گر/کناره‌گیر، یکی از طرفین (معمولاً زن) سعی می‌کند از طریق اصرار و انتقاد، رفتار شریک خود را تغییر دهد، در حالی که طرف مقابل (معمولاً مرد) از طریق سکوت، اجتناب یا انکار از رویارویی اجتناب می‌کند. این الگو اغلب به یک چرخه معیوب تبدیل می‌شود: هرچه یک طرف بیشتر فشار بیاورد، طرف دیگر بیشتر عقب‌نشینی می‌کند و برعکس (علوی مقدم و همکاران، ۱۴۰۱). سالم‌ترین مدل ارتباطی، سبک ارتباطی سازنده مبتنی بر گفتگوی آزاد، گوش دادن فعال و حل مسئله مشارکتی است. در این روش، هر دو طرف بدون پرخاشگری یا انفعال، نظرات و احساسات خود را بیان می‌کنند و برای درک متقابل تلاش می‌کنند (میچل و گامارل^{۱۳}، ۲۰۱۸). سبک ارتباطی اجتناب متقابل: هر دو طرف برای جلوگیری از تنش از بحث در مورد مسائل حساس یا بحث برانگیز اجتناب می‌کنند. اگرچه این رفتار ممکن است در کوتاه مدت باعث کاهش تعارض شود، اما در درازمدت باعث ایجاد رنجش و فاصله عاطفی می‌شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۱). سبک‌های ارتباطی زوجین، آینه‌ای از کیفیت رابطه آنهاست. در حالی که سبک متقابل سازنده به عنوان موتور کند حرکت هماهنگی زناشویی عمل می‌کند، سبک‌های متقابل انتظار/کناره‌گیری و اجتنابی نشانه‌هایی از فقدان ارتباط هستند (اکوفو و آنتو، ۲۰۲۲). شناخت این الگوها و تلاش برای مقابله با روش‌های ناسالم گفتگو به طور سازنده می‌تواند به بهبود توجه به آنها کمک کند. آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین، به ویژه زنانی که نقش مهمی به عنوان کاتالیزورهای ارتباطی در خانواده دارند، می‌تواند گامی در جهت افزایش تاب‌آوری یک ازدواج باشد. در این راستا مامل (۲۰۲۵)، ساتیامورتی^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۴)، اکوفو و آنتو (۲۰۲۲)، عارفی و محمدی (۱۳۹۴) و آزادی فرد و امانی (۱۳۹۵) نشان دادند یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم کیفیت و رضایت در روابط بین زوجین داشتن الگوهای ارتباطی سازنده است.

با وجود مطالعات مختلفی که رابطه بین هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی و رضایت زناشویی را بررسی کرده‌اند، می‌توان چندین شکاف تحقیقاتی را در این زمینه شناسایی کرد. اگرچه تأثیرات هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی به طور جداگانه و مستقیم بر رضایت زناشویی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، اما مطالعات کمی به بررسی تعامل این دو متغیر به طور همزمان و با نقش واسطه‌ای سبک‌های ارتباطی پرداخته‌اند. این مطالعه با تجزیه و تحلیل نقش ترکیبی هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی (انتظار/کناره‌گیری، سازنده متقابل و اجتناب متقابل) درک جامع‌تری از مکانیسم‌های مؤثر بر رضایت زناشویی ارائه می‌دهد. در بسیاری از مطالعات، داده‌ها از هر دو شریک جمع‌آوری می‌شوند، در حالی که زنان اغلب نقش اصلی را در مدیریت احساسات و ارتباطات خانوادگی ایفا می‌کنند. این مطالعه با تمرکز بر زنان متأهل، بررسی می‌کند که چگونه هوش هیجانی آنها می‌تواند سبک ارتباطی غالب در رابطه را میانجی‌گری کند و در نهایت بر رضایت زناشویی تأثیر بگذارد. بنابراین، این مطالعه برای بررسی

¹² Ekufu & Anetoh¹³ Mitchell & Gamarel¹⁴ Sathyamurthy

رابطه بین هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی با رضایت زناشویی در زنان متأهل اصفهان طراحی شده است و به دنبال پاسخ به این سؤال است: «آیا با توجه به نقش واسطه‌ای سبک‌های ارتباطی، رابطه معناداری بین سطح هوش هیجانی زنان و رضایت زناشویی آنها وجود دارد؟»

روش

از آنجاکه این تحقیق در راستای کسب دانش لازم جهت برطرف کردن نیازهای شناخته‌شده و بهبود اوضاع می‌باشد، روش این تحقیق بر اساس هدف، کاربردی است. از حیث روش به دلیل اینکه شرایط یا پدیده‌ها را توصیف می‌کند تحقیق توصیفی است. این تحقیق مبتنی است بر اندازه‌گیری میزان تغییرات یک یا چند عامل در اثر تغییرات یک یا چند عامل دیگر تا مشخص شود بین دو متغیر، رابطه و همبستگی وجود دارد یا خیر؛ بنابراین از نوع تحقیق همبستگی نیز می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل در شهر اصفهان در بهار سال ۱۴۰۴ بود. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، به شیوه غیرتصادفی در دسترس بود. در توضیح کفایت حجم نمونه می‌توان چنین استدلال کرد؛ زمانی که حجم نمونه نامشخص است، می‌توان بر اساس پیشینه‌ی پژوهشی، حجم نمونه را مشخص کرد (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۳). همچنین زمانی که حجم جامعه آماری نامشخص است، در ازای هر متغیر و خرده مقیاس‌های آن متغیر ۱/۱۵ انتخاب می‌شود (بشلیده، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر متغیر وابسته شامل رضایت زناشویی و همچنین متغیر مستقل هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی (ارتباط توقع / کناره‌گیری، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط اجتناب متقابل) مجموعاً دارای ۶ مقیاس و خرده مقیاس خواهند بود. بنابراین با توجه به توضیحات داده شده نمونه شامل ۹۰ نفر از زنان متأهل برآورد گردید که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. از سوی دیگر، ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه استاندارد به شرح زیر بود.

پرسشنامه هوش هیجانی (QG)

مقیاس هوش هیجانی^{۱۵} توسط گلمن (۱۹۹۵)، برای سنجش میزان هوش هیجانی شرکت کنندگان در پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این مقیاس دارای ۹ سوال است و روی یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت از ۱ (بسیار مخالفم)، تا ۵ (بسیار موافقم) پاسخ داده می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس در پژوهش قربانی (۱۳۹۳) برابر ۰/۶۷ بود.

پرسشنامه سبک‌های ارتباطی (PFQ)

برای سنجش سبک‌های ارتباطی زوجین^{۱۶} از پرسشنامه ۳۵ سوالی الگوهای ارتباطی کریستنسن و سولاوای استفاده شد. این پرسشنامه سه سبک ارتباطی ارتباط توقع / کناره‌گیری، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط اجتناب متقابل را در رابطه بین زوجین می‌سنجد زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت که از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) تنظیم شده، درجه بندی می‌کنند. برای هر مقیاس سوالات مرتبط برای هر بعد جمع می‌شود. هیوی و همکاران (۱۹۹۶) روایی ملاکی و روایی سازه را برای خرده مقیاس الگوی ارتباط سازنده متقابل هفت سوالی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت را محاسبه نمودند. آنها به منظور برآورد روایی ملاکی همبستگی بین نمرات این خرده مقیاس را با نمره گذاری‌های حاصل از مشاهده زوجین در آزمایشگاه به هنگام بحث درباره مشکل ارتباطی، محاسبه نمودند. ضریب همبستگی بدست آمده برابر بود با ۰.۷۲ که در سطح آلفای ۰.۰۰۱ معنی دار بود. به منظور برآورد روایی سازه این خرده مقیاس، آنها همبستگی نمرات آن را با نمرات زوجین از پرسشنامه خودسنجی رضایت زناشویی DAS، محاسبه نمودند، ضرایب همبستگی بدست آمده برای مردان و

¹⁵ Emotional Intelligence Scale

¹⁶ The Communication Patterns Questionnaire

زنان به ترتیب عبارت از ۰.۵۴ و ۰.۶۱ بودند که در سطح آلفای ۰.۰۰۱ معنی دار هستند. در ایران عبادت پور (۱۳۷۹) به منظور برآورد روایی این پرسشنامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH را بدست آورد. ضرایب همبستگی بدست آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل (پنج سوالی)، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع /کناره گیری به ترتیب عبارت بودند از ۰.۵۸، ۰.۵۸ و ۰.۳۵- که همگی در سطح آلفای ۰.۰۱ معنی دار بودند.

پرسشنامه رضایت زناشویی

برای سنجش رضایت زناشویی از فرم خلاصه شده ۱۰ سوالی رضایت زناشویی اینریچ استفاده شد و این مقیاس رضایت زناشویی را در یک طیف پنج گزینه ای از کاملاً مخالف ۱ تا کاملاً موافق ۵ درجه بندی می کنند. کمترین امتیاز ۱۰ و بیشترین امتیاز ۵۰ می باشد. هر چه جمع نمرات بالاتر باشد، نشانه رضایت بیشتر از زندگی زناشویی است. فورز و اوسلون (۱۹۹۳) به بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه پرداختند که نتایج آنها نشان داد برای سازگاری درونی و پایایی آزمون، آزمون مجدد مورد ارزیابی قرار گرفت. آلفای کرونباخ پایایی داخلی ۰.۸۶ را نشان داد. پایایی بازآزمایی با ۱۱۵ نفر در یک دوره ۴ هفته ای مورد ارزیابی قرار گرفت. ضریب قابلیت اطمینان در طول زمان ۰.۸۶ بود. روایی و پایایی پرسشنامه کوتاه شده اینریچ در ایران در پژوهش علیدوستی و همکاران (۱۳۹۴) مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۴ برآورد و تأیید شد. همچنین با تحلیل عاملی تأییدی روایی این پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

داده‌های پژوهش در بازه ی زمانی فروردین تا خرداد ۱۴۰۴ جمع آوری شد. مکان اجرای آن مراکز و کلینیک‌های مشاوره و روانشناسی در شهر اصفهان بود. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به این صورت بود که قبل از اجرای پژوهش و انتخاب افراد مجوزهای لازم از دانشگاه دریافت شد؛ بدین منظور در گام اول تاییدیه‌های اخلاقی لازم از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه کسب خواهد شد. همچنین در مرحله انتخاب نمونه و اجرا رضایت کامل شرکت کنندگان دریافت خواهد شد. علاوه بر آن توضیحات کاملی درباره اهداف، روش‌ها و اهمیت پژوهش ارائه شد. لازم به توضیح است به آن‌ها اطمینان داده شد اطلاعات شرکت کنندگان به صورت کاملاً محرمانه ذخیره و تنها برای اهداف پژوهش استفاده می شود. در جمع آوری داده‌ها از مقیاس‌های توضیح داده شده استفاده شد. زنان پس از توضیح اهداف پژوهش، به صورت فردی به تکمیل پرسشنامه‌ها پرداختند. افزون بر این، تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون‌های رگرسیون چندگانه، ضریب همبستگی پیرسون) با استفاده از نرم افزار آماری spss نسخه ۲۳ انجام شد. همچنین جهت بررسی نقش واسطه ای سبک‌های ارتباطی، از نرم افزار pls استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۳۳ سال با ۴۲ نفر و ۴۶.۷ درصد از کل نمونه است. پس از آن، گروه سنی ۳۳ تا ۴۱ سال با ۲۰ نفر (۲۲.۲ درصد) در رتبه دوم قرار دارد. کمترین میزان مشارکت مربوط به زنان بالای ۴۱ سال با ۱۱ نفر (۱۲.۲ درصد) و سپس گروه سنی ۱۷ تا ۲۵ سال با ۱۷ نفر (۱۸.۹ درصد) است. بنابراین، توزیع سنی نشان می‌دهد که بخش عمده شرکت کنندگان در این پژوهش در دامنه سنی جوان تا میان سال قرار دارند و تمرکز اصلی نمونه بر گروه سنی ۲۵ تا ۳۳ سال بوده است. افزون بر این، بیشترین فراوانی مربوط به شرکت کنندگانی با مدرک کارشناسی است که با ۳۸ نفر، ۴۲.۳ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دهند. پس از آن، افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد با ۲۵ نفر (۲۷.۷ درصد) و دیپلمه‌ها با ۲۴ نفر (۲۶.۷ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین میزان مربوط به دارندگان مدرک دکتری است که تنها ۳ نفر (۳.۳ درصد) از کل نمونه را شامل می‌شوند. این نتایج نشان می‌دهد بیشتر شرکت کنندگان در سطح

تحصیلات دانشگاهی به‌ویژه در مقطع کارشناسی قرار دارند که می‌تواند بیانگر سطح آگاهی و درک بالاتر آنان نسبت به موضوع پژوهش باشد.

همچنین، بیشترین فراوانی مربوط به شرکت‌کنندگانی است که بین ۴ تا ۶ سال از ازدواج آن‌ها گذشته و با ۳۲ نفر، ۳۵.۵ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دهند. پس از آن، گروهی با سابقه ازدواج ۶ تا ۸ سال، با ۲۷ نفر (۳۰ درصد) در رتبه بعدی قرار دارند. همچنین، ۲۴ نفر (۲۶.۷ درصد) بین ۲ تا ۴ سال از ازدواجشان گذشته است و کمترین فراوانی مربوط به افراد دارای بیش از ۸ سال زندگی مشترک با ۷ نفر (۷.۸ درصد) است. این نتایج بیانگر آن است که اکثر شرکت‌کنندگان در مراحل میانی زندگی زناشویی قرار دارند، که ممکن است از نظر پویایی‌های روابط و سازگاری زناشویی اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. در ادامه و در جدول ۱، یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش آورده شده است:

جدول ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره
برون‌زا	رضایت زناشویی	۲۲/۵۴	۲/۱۸۷	۱۲	۴۶
درون‌زا	هوش هیجانی	۲۹/۸۸	۲/۷۴۸	۱۱	۳۸
میانجی	سبک‌های ارتباطی	۲۰۷/۶۵۲	۳۷/۵۶۰	۴۵	۲۹۸

نتایج در جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمره متغیر برون‌زای رضایت زناشویی برابر با ۲۲.۵۴ و انحراف استاندارد آن ۲.۱۸۷ است که نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً کم پاسخ‌ها در این متغیر است. متغیر درون‌زای هوش هیجانی میانگین ۲۹.۸۸ و انحراف استاندارد ۲.۷۴۸ را نشان می‌دهد که بیانگر ثبات نسبی نمرات شرکت‌کنندگان در این زمینه است. همچنین، متغیر میانجی سبک‌های ارتباطی با میانگین ۲۰۷.۶۵۲ و انحراف استاندارد ۳۷.۵۶۰ بیشترین دامنه تغییر را در میان متغیرها دارد. با توجه به مقادیر حداقل و حداکثر نمرات، می‌توان نتیجه گرفت دامنه نمرات سبک‌های ارتباطی گسترده‌تر از سایر متغیرها بوده و این متغیر بیشترین تنوع پاسخ را در میان شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد. در ادامه، نتایج پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: نتایج آزمون پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها

متغیرها	آماره z	سطح معناداری
سبک‌های ارتباطی	۰/۳۵۱	۰/۰۰۰
هوش هیجانی	۰/۱۸۴	۰/۰۰۰
رضایت زناشویی	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰

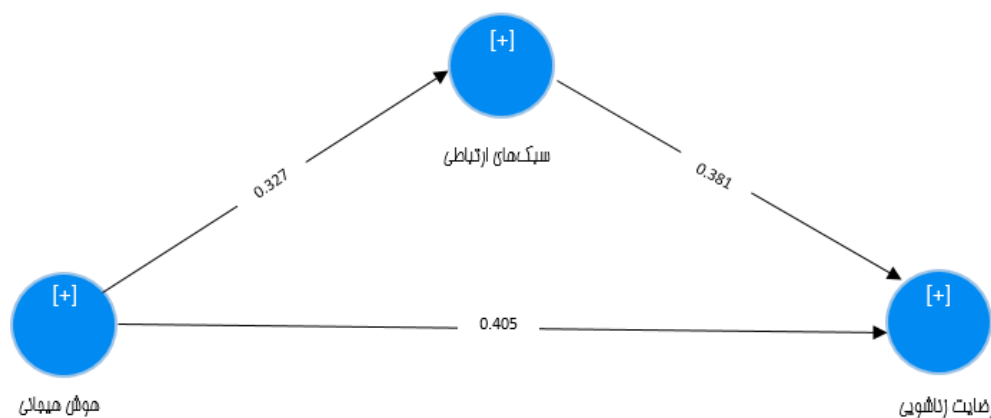
با توجه به نتایج جدول ۲ می‌توان بیان کرد که سطح معناداری به‌دست‌آمده برای متغیرهای پژوهش شامل سبک‌های ارتباطی، هوش هیجانی و رضایت زناشویی کمتر از ۰.۰۵ است؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند و فرض نرمال بودن داده‌ها رد می‌شود. با این حال، از آنجا که نرم‌افزار PLS به شرط نرمال بودن داده‌ها وابسته نیست و نسبت به نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها حساسیتی ندارد، به‌کارگیری آن در این پژوهش مناسب و بدون مانع است. نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش با متغیر درون‌زا

متغیرها	ضریب پیرسون	سطح معناداری
سبک‌های ارتباطی	۰/۲۸۷	۰/۰۰۱
رضایت زناشویی	۰/۳۳۵	۰/۰۰۰

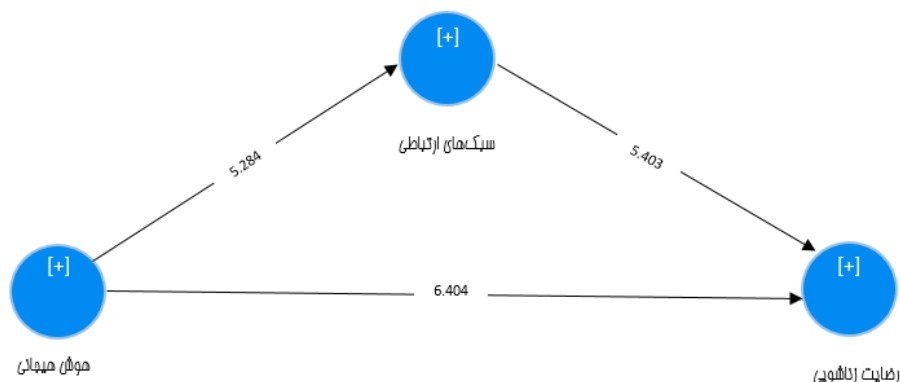
نتایج ضریب همبستگی در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین سبک‌های ارتباطی با هوش هیجانی رابطه مثبت و معناداری دارد ($r = ۰/۲۸۷$, $p = ۰/۰۰۱$). علاوه بر این، رضایت زناشویی با هوش هیجانی رابطه مثبت و معناداری نشان می‌دهد ($r = ۰/۳۳۵$, $p < ۰/۰۰۰$). به عبارت دیگر، با افزایش سبک‌های ارتباطی و رضایت زناشویی، هوش هیجانی در زنان متاهل نیز افزایش می‌یابد. در ادامه به بررسی فرضیه پژوهش پرداخته می‌شود:

سبک‌های ارتباطی در ارتباط بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی در زنان متاهل شهر اصفهان نقش میانجی دارد. مدل الگوی اصلاح‌شده (در حالت تخمین استاندارد) تعیین نقش میانجی سبک‌های ارتباطی در ارتباط بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی در زنان متاهل شهر اصفهان در شکل ۱ و نتایج برازش الگوی اولیه پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است:



شکل ۱: مدل الگوی اصلاح‌شده (در حالت تخمین استاندارد) بررسی نقش میانجی سبک‌های ارتباطی در ارتباط بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی در زنان متاهل شهر اصفهان

شکل ۱ بیانگر مقادیر ضرایب به دست آمده بین متغیرها را بوده که بیانگر آن است که در تمامی این روابط، تأثیر مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین در شکل ۲ مدل با ضرایب ۴ ارائه شده است:



شکل ۲: مدل با ضرایب t

شکل ۲ مقدار t به دست آمده است و نشان‌دهنده این است تأثیر سبک‌های ارتباطی بر رضایت زناشویی، تأثیر هوش هیجانی بر سبک‌های ارتباطی، تأثیر هوش هیجانی بر رضایت زناشویی از حداقل مقدار معناداری t یعنی ۱/۹۶ بالاتر است، بنابراین تمامی متغیرهای پژوهش، تأثیر مستقیم با یکدیگر دارند. در ادامه و در جدول ۴، شاخص‌های برازش الگوی اولیه تعیین هوش هیجانی بر اساس سبک‌های ارتباطی با توجه به نقش میانجی رضایت زناشویی آورده شده است:

جدول ۴: شاخص‌های برازش الگوی اولیه تعیین هوش هیجانی بر اساس سبک‌های ارتباطی
با توجه به نقش میانجی رضایت زناشویی

شاخص‌ها	مقدار مطلوب	هوش هیجانی	سبک‌های ارتباطی	رضایت زناشویی
R^2	-	۰/۴۷۵		
R^2 تعدیل شده ^{۱۷}	-	۰/۳۸۸		
پایایی مرکب ^{۱۸}	بالاتر از ۰/۷	۱	۱	۱
آلفای کرونباخ ^{۱۹}	بالاتر از ۰/۷	۱	۱	۱
شاخص متوسط واریانس استخراج شده ^{۲۰}	بالاتر از ۰/۵	۱	۱	۱
فورنل لارکر ^{۲۱}	بالاتر از همبستگی سازه‌های مکنون در مدل با یکدیگر	۰/۳۵۱	۱/۰۰۰	۰/۰۲۵
شاخص هم خطی VIF	کمتر از ۲/۵	-	۱/۱۸۷	۱/۷۴۰

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهد مدل ساختاری هوش هیجانی بر اساس سبک‌های ارتباطی با نقش میانجی رضایت زناشویی از اعتبار و پایایی بالایی برخوردار است. ضریب تعیین (R^2) برای هوش هیجانی مقدار ۰/۴۷۵ را نشان می‌دهد که بیانگر تبیین تقریباً ۴۷/۵ درصدی واریانس هوش هیجانی توسط سبک‌های ارتباطی است. مقادیر پایایی مرکب و آلفای کرونباخ در تمام متغیرها برابر با ۱ و بالاتر از معیار ۰/۷ است که نشان‌دهنده سازگاری درونی

¹⁷ R Square Adjusted¹⁸ Composite Reliability¹⁹ Cronbach's Alpha²⁰ Average Variance Extracted (AVE)²¹ Fornell-Larcker

قوی است. همچنین، شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) همه متغیرها بالاتر از ۰.۵ بوده که بیانگر کفایت همگرا بودن سازه‌هاست. شاخص‌های فورنل لارکر نیز تأیید می‌کنند که تمایز کافی بین سازه‌ها وجود دارد. شاخص هم‌خطی (VIF) کمتر از ۲.۵ بوده و نشان می‌دهد مشکل چندهم‌خطی در مدل وجود ندارد. به طور کلی، این نتایج بیانگر برازش قابل قبول مدل و اعتبار آزمون مفهومی هوش هیجانی، سبک‌های ارتباطی و رضایت زناشویی در قالب نقش میانجی رضایت زناشویی است. رابطه سبک‌های ارتباطی با هوش هیجانی و رضایت زناشویی مثبت است و متغیر رضایت زناشویی به عنوان میانجی این ارتباط عمل می‌کند که موجب تبیین قابل توجهی از واریانس هوش هیجانی می‌شود. در جدول ۵، اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش بر هوش هیجانی قابل پیگیری است:

جدول ۵: اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش بر هوش هیجانی

مسیرها	ضریب	میانگین	خطای انحراف استاندارد	T	سطح معنی‌داری
سبک‌های ارتباطی - رضایت زناشویی	۰/۳۸۱	۰/۳۸۲	۰/۰۲۰	۵/۴۰۳	۰/۰۰۰
سبک‌های ارتباطی - هوش هیجانی	۰/۳۲۷	۰/۳۲۷	۰/۰۳۱	۵/۲۸۴	۰/۰۰۱۷
رضایت زناشویی - هوش هیجانی	۰/۴۰۵	۰/۴۰۷	۰/۰۴۳	۶/۴۰۴	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بین سبک‌های ارتباطی با رضایت زناشویی، بین رضایت زناشویی با هوش هیجانی و بین سبک‌های ارتباطی با هوش هیجانی تأثیر مثبت و مستقیم وجود دارد ($P \leq 0/05$).

جدول ۶: نتایج ضرایب غیرمستقیم با توجه به نقش میانجی رضایت زناشویی

مسیرها	ضریب	میانگین	خطای انحراف استاندارد	T	معناداری	VAF
سبک‌های ارتباطی - رضایت زناشویی - هوش هیجانی	۰/۳۸۱	۰/۳۸۳	۰/۰۲۰	۵/۴۲۷	۰/۰۰۰	۰/۲۸۶

همان‌گونه که در جدول ۶ نیز مشاهده می‌شود تأثیر مستقیم رضایت زناشویی بر هوش هیجانی معنی‌دار شده است ($P \leq 0/05$). بر اساس نتایج به دست آمده بخشی از فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر نقش میانجی‌گرانه سبک‌های ارتباطی در ارتباط بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی در زنان متاهل شهر اصفهان تأیید شده است. با توجه به میزان شاخص VAF به دست آمده است؛ با توجه به اینکه بیشتر از ۰/۲ است؛ نقش میانجی‌گری قابل قبول است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های ارتباطی در ارتباط بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی در زنان متاهل شهر اصفهان نقش میانجی دارد و فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تعیین رابطه هوش هیجانی و سبک‌های ارتباطی با رضایت زناشویی در زنان متاهل اصفهان بود. نتایج پژوهش نشان داد که رضایت زناشویی نقش میانجی معناداری در رابطه بین سبک‌های ارتباطی و هوش هیجانی ایفا می‌کند؛ به طوری که ضریب غیرمستقیم این مسیر ۰/۳۸۱ به دست آمد ($P < 0/05$ و $T = 5/427$). مقدار VAF برابر با ۰/۲۸۶ حاکی از آن است که حدود ۲۸.۶ درصد از اثر کل سبک‌های ارتباطی بر هوش هیجانی از طریق تغییرات رضایت زناشویی تبیین می‌شود که تأکیدی بر اهمیت نقش واسطه‌گری رضایت زناشویی در این مدل است. این نتایج با بخشی از مطالعات رستم پور

آلاشتی و خانه کشی (۱۴۰۳)، اسماعیلی انامق و همکاران (۱۴۰۳)، زمان محمدی (۱۴۰۱)، آقابابایی (۱۳۹۹) و ساتیامورتی و همکاران (۲۰۲۴) همسو و سازگار است.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که زنانی که توانایی بیشتری در شناخت، درک و مدیریت هیجانات خود و همسران خود دارند، از رضایت بیشتری در زندگی مشترک برخوردارند. هوش هیجانی بالا به زنان کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های زناشویی، واکنش‌های منطقی‌تر و سازنده‌تری نشان دهند و با ایجاد فضایی آرام، صمیمیت و تفاهم را در روابط زناشویی افزایش دهند. در بررسی سبک‌های ارتباطی، نتایج حاکی از آن است که سبک ارتباطی «سازنده» نقش بسیار کلیدی در پیش‌بینی رضایت زناشویی ایفا می‌کند. زنانی که در تعامل با همسران خود از سبک ارتباطی سازنده استفاده می‌کنند، تمایل دارند مسائل را با گفتگو، احترام متقابل و درک عاطفی حل کنند. این رویکرد مانع از انباشت منفی‌گرایی و سوءتفاهم شده و زمینه را برای همدلی بیشتر و ارتقای کیفیت رابطه زناشویی فراهم می‌آورد.

برعکس، استفاده از سبک‌های ارتباطی «غیرسازنده» یا مخرب، رابطه‌ای معکوس و منفی با رضایت زناشویی دارد. به کارگیری الگوهای ارتباطی همچون سرزنش، کناره‌گیری، تحقیر یا مقاومت در برابر شنیدن حرف‌های همسر، باعث کاهش شدید رضایت از زندگی مشترک می‌شود. این سبک‌ها با ایجاد جو روانی ناسالم و پر از تنش، فاصله عاطفی بین زوجین را بیشتر کرده و احساس امنیت و آرامش در رابطه را از بین می‌برند. از منظر روان‌شناختی، هوش هیجانی به عنوان یک زیرساخت مهم عمل می‌کند که انتخاب سبک ارتباطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان با هوش هیجانی بالاتر، به دلیل توانایی تنظیم هیجانات، کمتر تحت تأثیر فشارهای لحظه‌ای قرار گرفته و احتمال دارد که به جای واکنش‌های تکانشی و پرخاشگرانه (که جزو سبک‌های غیرسازنده است)، رویکردی منطقی و محترمانه (سبک سازنده) را در پیش گیرند. بنابراین، هوش هیجانی به طور غیرمستقیم نیز از طریق بهبود سبک‌های ارتباطی به افزایش رضایت زناشویی کمک می‌کند.

با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی شهر اصفهان، نقش مهارت‌های ارتباطی و هیجانی در استحکام بنیان خانواده بیش از پیش نمایان می‌شود. در جامعه‌ای که روابط عاطفی و معنوی حائز اهمیت است، توانایی زنان در مدیریت تعاملات عاطفی و حل تعارضات می‌تواند تضمین‌کننده پایداری و سلامت خانواده باشد. نتایج این مطالعه تأکید دارد که تقویت مهارت‌های نرم و هیجانی در زنان، نه تنها به بهبود روابط زناشویی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه سلامت روان اعضای خانواده را نیز تأمین می‌نماید. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برای ارتقای رضایت زناشویی در زنان متاهل، لازم است بر آموزش و تقویت مؤلفه‌های هوش هیجانی و اصلاح سبک‌های ارتباطی تمرکز شود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشاوره‌ای پیش از ازدواج و در دوران زندگی مشترک، با هدف تکنیک‌های ارتباطی سازنده و افزایش خودآگاهی هیجانی، می‌تواند راهکاری کارآمد برای کاهش طلاق و افزایش شادی در خانواده‌های ایرانی باشد. این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری روی بعد عاطفی و ارتباطی انسان‌ها، سودمندترین راه برای داشتن یک زندگی مشترک پایدار است.

از سوی دیگر، مدلسازی هوش هیجانی بر اساس سبک‌های ارتباطی با نقش میانجی رضایت زناشویی در زنان متاهل، پژوهشی پیچیده و چندبعدی است که با وجود نتایج ارزشمند، محدودیت‌هایی نیز در اجرای آن وجود دارد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی زنان متاهل شهر اصفهان انجام شده است، تعمیم نتایج به سایر جوامع نیازمند احتیاط است و باید تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی آن‌ها مدنظر قرار گیرد. این مطالعه بر پایه روش توصیفی از نوع همبستگی انجام شده و صرفاً روابط همبستگی میان متغیرها بررسی شده است؛ بنابراین در تفسیر نتایج و تعمیم روابط علی باید با دقت عمل شود. با توجه به اینکه داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند، محدودیت‌هایی همچون خستگی پاسخ‌دهندگان، عدم دقت در پاسخ‌ها و محدودیت زمانی پاسخگویی وجود دارد که می‌تواند بر کیفیت داده‌ها اثرگذار باشد.

با توجه به محدودیت‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده جهت افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌ها، پژوهش‌های تطبیقی با نمونه‌های متنوع‌تر از زنان و در مناطق جغرافیایی مختلف انجام شود تا تأثیر تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی بر روابط

متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای غلبه بر محدودیت‌های روش همبستگی و شفاف‌سازی روابط علیتی میان متغیرها، توصیه می‌شود از طرح‌های پژوهشی علی‌گرا مانند آزمایشی یا نیمه‌آزمایشی استفاده شود. علاوه بر این، به‌کارگیری رویکردهای ترکیبی و ابزارهای متنوع جمع‌آوری داده نظیر مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته، مشاهده و ارزیابی‌های رفتاری می‌تواند به کاهش مشکلات ناشی از خودگزارش‌دهی مانند بی‌دقتی پاسخ‌دهندگان و افزایش اعتبار و صحت داده‌های پژوهش کمک شایانی نماید. افزون بر این، با توجه به نتایج پژوهش، برای افزایش رضایت زناشویی در زنان متاهل، برنامه‌های آموزشی تقویت هوش هیجانی طراحی و اجرا شود تا مهارت‌های مدیریت هیجانات، همدلی و بیان صحیح احساسات در زوجین ارتقا یابد؛ این امر به بهبود کیفیت ارتباطات و افزایش صمیمیت کمک می‌کند. همچنین، دوره‌های آموزش سبک‌های ارتباطی مؤثر برگزار شود که شامل مهارت‌هایی نظیر گوش دادن فعال، استفاده از پیام‌های «من» به جای سرزنش و مدیریت تعارضات بر پایه هوش هیجانی است تا روابط بین زوجین بهبود یافته و رضایت زناشویی افزایش یابد.

منابع

- [۱] اسماعیلی انامق، ر.، حسینی، ا.، و رضایی، م. (۱۴۰۳). رابطه ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی: یک مطالعه فراتحلیل. *مجله پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۲۱(۲)، ۲۱۰-۲۲۵.
- [۲] امیری، ک.، صادقی، ر.، و فرهادی، ل. (۱۳۹۱). پیامدهای اجتناب متقابل در روابط زناشویی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۸(۱)، ۸۸-۱۰۲.
- [۳] آزادی‌فرد، م.، و امانی، ر. (۱۳۹۵). پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت در روابط زوجین. *مجله روان‌شناسی کاربردی*، ۷(۳)، ۱۵۰-۱۶۵.
- [۴] آقابابایی، م. (۱۳۹۹). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی زوجین. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳(۴)، ۶۵-۸۰.
- [۵] بشلیده، ک. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
- [۶] خسروی، ع.، رضایی، س.، و احمدی، پ. (۱۴۰۱). رابطه هوش هیجانی و ثبات ازدواج. *مجله مطالعات روان‌شناختی خانواده*، ۸(۱)، ۱۴۰-۱۲۵.
- [۷] رستم‌پور آلاشتی، ن.، و خانه‌کشی، م. (۱۴۰۳). رابطه بین هوش اجتماعی، فرهنگی و هیجانی با کیفیت روابط زناشویی. *مجله مطالعات خانواده*، ۸(۱)، ۱۲۵-۱۴۰.
- [۸] زمان‌محمدی، ا. (۱۴۰۱). اثرات هوش هیجانی بر کیفیت روابط زناشویی. *مجله پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۹(۳)، ۴۵-۶۰.
- [۹] عارفی، ن.، و محمدی، ا. (۱۳۹۴). الگوهای ارتباطی سازنده و کیفیت ازدواج. *مجله پژوهش‌های خانواده*، ۱۱(۲)، ۲۱۵-۲۳۰.
- [۱۰] عبادت‌پور، ع. (۱۳۷۹). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۲(۱)، ۳۵-۵۰.
- [۱۱] علوی مقدم، س.، حسینی، ا.، و کریمی، م. (۲۰۲۲). چرخه مطالبه-کناره‌گیری در تعاملات زناشویی. *مجله روان‌شناسی خانواده*، ۱۰(۲)، ۴۵-۶۰.
- [۱۲] علیدوستی، م.، رضایی، ا.، و اسدی، س. (۱۳۹۴). ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه مقیاس رضایت زناشویی اینریچ. *مجله روان‌شناسی خانواده*، ۹(۲)، ۱۴۵-۱۶۰.
- [۱۳] قربانی، ن. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هوش هیجانی. *فصلنامه اندازه‌گیری و سنجش*، ۵(۳)، ۸۹-۱۰۵.
- [۱۴] گال، م. د.، بورگ، و. ر.، و گال، ج. پ. (۱۳۹۳). روش‌های پژوهش در آموزش (ترجمه علی اکبر سیف). تهران: انتشارات دوران.
- [15] Adebayo, A. (2025). The role of marital satisfaction in mental health. *Journal of Family Psychology*, 45(3), 215–230.
- [16] Aghababaei, M. (2010). The role of emotional intelligence in marital interactions. *Journal of Applied Psychology*, 4(2), 35–48.
- [17] Anyamene, O. (2020). Emotional intelligence in predicting marital satisfaction. *International Journal of Psychology and Counseling*, 12(2), 45–58.
- [18] Cartwright, D., Johnson, M., & Lee, K. (2024). The four components of emotional intelligence in marital relationships. *Journal of Emotional Health*, 15(3), 210–225.
- [19] Christensen, A., & Sullaway, M. (1984). Communication Patterns Questionnaire. Unpublished manuscript, University of California.
- [20] Ekufu, M., & Anetoh, H. (2022). Communication patterns and marital satisfaction. *Journal of Social Development*, 18(1), 112–128.
- [21] Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1993). ENRICH Marital Satisfaction Scale: A brief research and clinical tool. *Journal of Family Psychology*, 7(2), 176–185.
- [22] Goleman, D. (1995). Emotional Intelligence: Why it can matter more than IQ. New York: Bantam Books.
- [23] Heavey, C. L., Christensen, A., & Malamuth, N. M. (1996). The construct validity of the Communication Patterns Questionnaire. *Journal of Family Psychology*, 10(3), 312–325.

- [24] Kamomoe, P., Smith, J., & Jones, R. (2021). Emotional intelligence in predicting marital satisfaction. *African Journal of Psychological Studies*, 9(4), 340–355.
- [25] Khezri, S. (2020). Challenges faced by couples in marriage. *Iranian Journal of Family and Women Studies*, 14(1), 88–102.
- [26] Mamel, J. (2025). Regulation of emotions and marital satisfaction. *International Journal of Marriage Psychology*, 10(2), 89–105.
- [27] Mitchell, J., & Gamarel, K. (2018). Constructive communication based on free dialogue and active listening. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(4), 520–535.
- [28] Odebunmi, R. (2020). The union of man and woman as the foundation of society. *Journal of Sociological Research*, 11(3), 201–218.
- [29] Öztürk Özen, L., Yılmaz, A., & Demir, B. (2025). The positive evaluation of marital relationships. *European Journal of Marriage and Family*, 33(2), 150–165.
- [30] Quigley, J., Murphy, S., & O'Connor, K. (2025). Marital satisfaction as a measure of individual well-being. *Journal of Happiness Studies*, 26(1), 78–95.
- [31] Sathyamurthy, P., Johnson, T., & Williams, R. (2024). Communication patterns as predictors of marital quality. *International Journal of Psychology*, 59(1), 78–95.
- [32] Vasquez-Salcedo, G., & Natividad, M. (2025). The role of marriage in personal and social life development. *Journal of Social Sciences*, 50(4), 410–425.
- [33] Zarch, M., & Williams, R. (2014). Emotional intelligence and conflict resolution in couples. *Journal of Family Therapy*, 36(2), 150–165.